

## آیا خدا یا اهریمن دست یافتنی هستند؟

داستان زیر که خیلی خنده‌دار ولی در عین حال آموزنده است بخشی از پاسخ به پرسش بالاست و رابطه‌ای مستقیم دارد با آنچه در فلسفه زرتشت نهفته است. نخست داستان را بخوانید و بخندید و سپس یک نگاهی کوتاه به فلسفه زرتشت ببندازیم:

### نامه پیرزن به خدا



یک روز کارمند پست به نامه‌هایی که آدرس نامعلوم دارند رسیدگی می‌کرد. متوجه نامه ای شد که روی پاکت آن با خطی لرزان نوشته شده بود نامه‌ای به خدا! با خودش فکر کرد بهتر است نامه را باز کرده و بخواند. در نامه این طور نوشته شده بود:

خدای عزیزم بیوه زنی هشتادوسه ساله هستم که زندگی ام با حقوق نا چیز باز نشستگی می‌گذرد. دیروز یک نفر کیف مرا که صد دلار در آن بود دزدید. این تمام پولی بود که تا پایان ماه باید خرج می‌کردم. یکشنبه هفته دیگر عید است و من دو نفر از دوستانم را برای شام دعوت کرده‌ام، اما بدون آن پول چیزی نمی‌توانم بخرم. هیچ کس را هم ندارم تا از او پول قرض بگیرم. تو ای خدای مهربان تنها امید من هستی به من کمک کن ... کارمند اداره پست خیلی تحت تاثیر قرار گرفت و نامه را به سایر همکارانش نشان داد. نتیجه این شد که همه آنها جیب خود را جستجو کردند و هر کدام چند دلاری روی میز گذاشتند. در پایان نودوشش دلار جمع شد و برای پیرزن فرستادند ... همه کارمندان اداره پست از اینکه توانسته بودند کار خوبی انجام دهند خوشحال بودند.

عید به پایان رسید و چند روزی از این ماجرا گذشت، تا این که نامه دیگری از آن پیرزن به اداره پست رسید که روی آن نوشته شده بود: نامه‌ای به خدا! همه کارمندان جمع شدند تا نامه را باز کرده و بخوانند. مضمون نامه چنین بود:

خدای عزیزم، چگونه می‌توانم از کاری که برایم انجام دادی تشکر کنم. با لطف تو توانستم شامی عالی برای دوستانم مهیا کرده و روز خوبی را با هم بگذرانیم. من به آنها گفتم که چه هدیه خوبی برایم فرستادی ... البته چهار دلار آن کم بود که مطمئنم کارمندان اداره پست آن را برداشته‌اند!!!...

### درسی که از این داستان می‌آموزیم:

۱) اگر کارمندان پست احمقانه عمل نمی‌کردند و در نامه‌شان به پیرزن نوشته بودند که ما انسانها از روی بشر دوستی و همدردی به تو کمک کردیم، پیرزن بیچاره بهتر به ماهیت بشری خدا پی میبرد و به انسانیت بیشتر اعتقاد می‌افتد، و نه اینکه از انسانها بدگویی کند. پستی‌ها خودشان را جای خدا گذاشتند و پیرزن را در عالم هیروت نگاه داشتند.

۲) انتظارت مردم از خدا بیشتر جنبه مادی دارد. یعنی بیشتر انتظارتی هستند که انسان دیگری میتواند با نیکوکاری آن را برآورده کند. پس همانطور که فیلسوف و پیام آور بزرگ ایرانی، زرتشت گفته است، خدا و اهریمن (یعنی همان نیکی و بدی) تنها در ذهن انسان تبلور می‌یابند و دست یافتنی هستند، یعنی دادار همان است که در ذهن انسان ایجاد میشود، یعنی اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک. در حالی که در ادیان دیگر....!

*من این دو حرف چنان نوشتم که غیر ندانست  
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی!*

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.  
This page will not be added after purchasing Win2PDF.